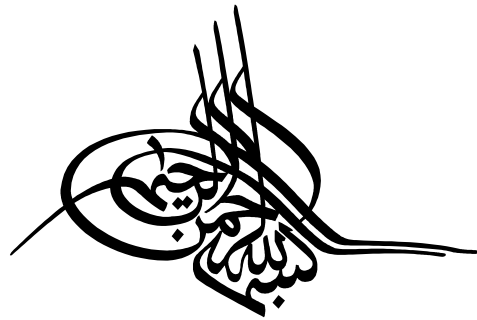




جغرافیای شهری پیشرفته

مجموعه جغرافیا

مؤلف: مصطفی فزایی

آمادگی آزمون دکتری

خزایی، مصطفی
جغرافیای شهری پیشرفته رشته جغرافیا / مصطفی خزایی
مشاوران صعود ماهان: ۱۴۰۴
۳۳ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون دکتری مجموعه)
ISBN/N: 978-600-458- 625-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

فارسی - چاپ اول

جغرافیای شهری پیشرفته

مصطفی خزایی

ج - عنوان

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی

کتابخانه ملی ایران

LB ۲۳۵۳/ ج ۷ ۱۳۹۲

۳۷۸/۱۶۶۴

۳۳۵۲۳۸



انتشارات مشاوران صعود ماهان

موسسه آموزش عالی آزاد
www.mahan.ac.ir

- ☐ نام کتاب: جغرافیای شهری پیشرفته
- ☐ مولف: مصطفی خزایی
- ☐ مدیران مسئول: هادی و مجید سیاری
- ☐ مدیر تولید: سمیه بیگی
- ☐ ناشر: مشاوران صعود ماهان
- ☐ نوبت و تاریخ چاپ: اول/ ۱۴۰۴
- ☐ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- ☐ قیمت: ۶/۱۶۰/۰۰۰ ریال
- ☐ شابک: ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۶۲۵-۲

انتشارات مشاوران صعود ماهان: تهران - خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع ولیعصر مطهری، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳ و ۸۴۰۱۳۱۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد. و هر گونه اقتباس و کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

بنام خدا

ایمان داریم که هر تغییر و تحول بزرگی در مسیر زندگی بدون تحول معرفت و نگرش میسر نخواهد بود. پس بیایید با اندیشه توکل، تفکر، تلاش و تحمل در توسعه دنیای فکریمان برای نیل به آرامش و آسایش توأمان اولین گام را برداریم. چون همگی یقین داریم دانایی، توانایی می‌آورد.

شاد باشید و دلی را شاد کنید

برادران سیاری

قرن بیست و یکم دوره شهری شدن سیاره زمین است. هم اکنون بیش از نیمی از جمعیت جهان در سکونتگاه‌های شهری زندگی می‌کنند. شهرها کانون تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشمار می‌روند. و تجلی گاه نظام‌های ارزشی، آرمانها و تمنیات میلیاردها نفر می‌باشند. اگر چه شهرها مکان اعتلای علم و فرهنگ محسوب می‌شوند، ولی از نظر آسیب شناسی شهری ممکن است کارکردهای ضد ارزشی نیز به خود بگیرند و به فضای افول معنویت تبدیل شوند. بنابراین مطالعه شهرها به سبب اهمیتی که در شیوه معیشت و ساختاربابی روابط و مناسبات اقتصادی – اجتماعی دارند، ضروری است. جغرافیای شهری به عنوان شاخه‌ای از جغرافیای انسانی، قلمرو مطالعاتی خود را بر روی مکان‌گزینی و آرایش مکانی سکونتگاه‌های شهری متمرکز می‌سازد و در پی شناسایی و تحلیل اختلافات و مشابهت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سکونتگاه‌های شهری در اقصی نقاط دنیا می‌باشد. کتاب حاضر با عنوان "جغرافیای شهری پیشرفته" خلاصه مفصلی از کتب جدیدی است که در این زمینه به چاپ رسیده است و علی‌رغم بررسی و تحلیل موضوعات سنتی جغرافیای شهری، به مسائل نوینی همچون جهانی شدن و پیامدهای آن بر ساختار شهری و پویایی نظام شهری در ایران می‌پردازد. کتاب حاضر، به عنوان یک اثر کمک آموزشی می‌تواند دانشجویانی را که قصد شرکت در کنکورهای کارشناسی ارشد و دکتری، در رشته‌های جغرافیا و برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای را دارند، یاری نماید.

با آرزوی موفقیت برای شما عزیزان

مصطفی خزایی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری – دانشگاه شهید بهشتی)

* تقدیم به پدر و مادر فداکار

و

خواهران مهربانم *

بخش اول - شهر در جهان در حال توسعه	۹
فصل اول - ماهیت فضایی شهرنشینی در جهان در حال توسعه	۱۰
فصل دوم - توسعه و شهرنشینی در جهان سوم چشم‌اندازهای نظری	۱۳
فصل سوم - نظام‌های شهری ملی و توسعه جهانی	۱۷
فصل چهارم - راهبرد ملی توسعه شهری	۱۹
فصل پنجم - شهرنشینی و نیازهای اولیه : آموزش، بهداشت و تغذیه	۲۱
فصل ششم - ساختار و ریخت‌شناسی شهرها در نواحی در حال توسعه	۲۳
فصل هفتم - مسکن و سرپناه در شهرهای جهان سوم	۲۷
فصل هشتم - اشتغال و کار در کشورهای در حال توسعه	۲۹
فصل نهم - شهر و پایداری زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه	۳۱
فصل دهم - آینده شهر در کشورهای در حال توسعه	۳۳
تست‌های شهر در جهان در حال توسعه	۳۴
پاسخ‌نامه تست‌های شهر در جهان در حال توسعه	۳۶
بخش دوم - پویایی نظام شهری ایران	۳۷
فصل اول - تاریخ و دیدگاه‌های شهر و شهرنشینی	۳۹
فصل دوم - شهرنشینی در دوره باستان (پیش از اسلام)	۴۳
فصل سوم - شهر و شهرنشینی در دوره اسلامی	۴۷
فصل چهارم - بازسازی و تجدید ساختار نظام شهری ایران	۵۱
فصل پنجم - دوره پهلوی و استقرار نظام سرمایه‌داری	۵۵
فصل ششم - پویایی نظام شهری و سازمان فضایی آن بعد از انقلاب اسلامی	۵۹
فصل هفتم - نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران	۶۵
فصل هشتم - شهر و نظام شهری در طرح‌های توسعه ملی	۶۹
فصل نهم - چالش‌ها و سیاست‌های راهبردی در نظام شهری ایران	۷۳
تست‌های پویایی نظام شهری ایران	۷۵
پاسخ‌نامه تست‌های پویایی نظام شهری ایران	۷۹
بخش سوم - دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری	۸۰
فصل اول - دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری	۸۱
تست‌های فصل اول	۸۷
پاسخ‌نامه تست‌های فصل اول	۸۹
فصل دوم - سیر تکوینی در جغرافیای شهری	۹۱
تست‌های فصل دوم	۹۴
پاسخ‌نامه تست‌های فصل دوم	۹۶
فصل سوم - شهر و مفاهیم شهری	۹۷
تست‌های فصل سوم	۱۰۴
پاسخ‌نامه تست‌های فصل سوم	۱۰۷
فصل چهارم - مکتب‌های جغرافیای شهری	۱۰۹
تست‌های فصل چهارم	۱۱۳
پاسخ‌نامه تست‌های فصل چهارم	۱۱۴
فصل پنجم - زندگی شهری در دوره‌های تاریخی	۱۱۷
تست‌های فصل پنجم	۱۲۵
پاسخ‌نامه تست‌های فصل پنجم	۱۲۸
فصل ششم - مادر شهر	۱۲۹
تست‌های فصل ششم	۱۳۴
پاسخ‌نامه تست‌های فصل ششم	۱۳۵
فصل هفتم - منطقه‌بندی و موفولوژی شهری	۱۳۷
تست‌های و پاسخ‌نامه فصل هفتم	۱۳۹
فصل هشتم	۱۳۹
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل هشتم	۱۴۲
فصل نهم - سیستم‌های شهری	۱۴۳
فصل دهم - تمرکززدایی و سیستم‌های سکونتگاهی	۱۴۷
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل دهم	۱۴۸
فصل یازدهم - نظریه اجتماعی و شهرگرایی	۱۴۹
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل یازدهم	۱۵۳
بخش چهارم - جغرافیا و شهرشناسی	۱۵۷
فصل اول - تعاریف و دیدگاه‌ها	۱۵۷
تست‌های فصل اول	۱۶۰
پاسخ‌نامه تست‌های فصل اول	۱۶۱
فصل دوم - بررسی شهر در محدوده طبیعی و ناحیه‌ای	۱۶۳
فصل سوم - طرح و نقشه و ساختار شهری	۱۶۷
تست‌های فصل سوم	۱۶۹
پاسخ‌نامه تست‌های فصل سوم	۱۷۰
فصل چهارم - بافت اکولوژیکی شهر	۱۷۱
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل چهارم	۱۷۴
فصل پنجم - توسعه و واژه‌شناسی ارگانیک شهری	۱۷۵
تست‌های فصل پنجم	۱۷۹
پاسخ‌نامه تست‌های فصل پنجم	۱۸۰
فصل ششم - جمعیت شهری	۱۸۱
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل ششم	۱۸۳
فصل هفتم - نقش و کار شهری	۱۸۵
تست‌های فصل هفتم	۱۹۰
پاسخ‌نامه تست‌های فصل هفتم	۱۹۱
فصل هشتم - سیمای زندگی اجتماعی در شهر	۱۹۳
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل هشتم	۱۹۴
فصل نهم - حد متناسب شهری و تراکم آن	۱۹۵
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل نهم	۱۹۷
فصل دهم - شهر و ناحیه	۱۹۹
تست‌های فصل دهم	۲۰۳
پاسخ تست‌های فصل دهم	۲۰۴
فصل یازدهم - طبقه‌بندی شهرها بر حسب سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی	۲۰۵
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل یازدهم	۲۰۶
بخش پنجم - جغرافیای شهری در ایران	۲۰۷
فصل اول - نقش بنیادهای جغرافیایی در شکل‌گیری شهرهای ایران	۲۰۹
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل اول	۲۱۱
فصل دوم - موقعیت ناحیه‌ای شهرها و روابط شهر و روستا در ایران	۲۱۳
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل دوم	۲۱۵
فصل سوم - توزیع فضایی و کالبدی شهرهای ایران	۲۱۷
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل سوم	۲۱۹
فصل چهارم - ویژگی‌های اقتصادی و کالبدی شهرهای ایران	۲۲۱
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل چهارم	۲۲۲
بخش ششم - از شار تا شهر	۲۲۳
فصل اول - شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی قبل از اسلام	۲۲۵
تست‌های فصل اول	۲۲۹
پاسخ‌نامه تست‌های فصل اول	۲۳۰
فصل دوم - شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در دوران اسلام	۲۳۱
تست‌های فصل دوم	۲۳۶
پاسخ‌نامه تست‌های فصل دوم	۲۳۷
فصل سوم - شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در دوران معاصر	۲۳۹
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل سوم	۲۴۴
فصل چهارم - تأملی بر شهرسازی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۲۴۵
تست‌های فصل چهارم	۲۴۷
بخش هفتم - مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری	۲۴۹
فصل اول - تحولات شهرسازی	۲۵۱
تست‌های فصل اول	۲۵۵
پاسخ‌نامه تست‌های فصل اول	۲۵۷
فصل سوم - نظریه‌ی ساخت شهر و طرح‌های مختلف توسعه شهری	۲۵۹
تست‌های فصل سوم	۲۶۵
پاسخ‌نامه تست‌های فصل سوم	۲۶۶

بخش هشتم - فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران	۲۶۷
فصل اول - ویژگی‌های کلی شهرسازی ایران و عوامل تأثیرگذار بر آن.....	۲۶۹
تست‌ها و پاسخ‌نامه فصل اول	۲۷۱
بخش نهم - برنامه‌ریزی شهری در ایران و تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران	۲۷۳
فصل اول - برنامه‌ریزی شهری	۲۷۵
تست‌های فصل اول	۲۸۴
پاسخ‌نامه تست‌های فصل اول	۲۸۵
بخش دهم - برنامه‌ریزی شهرهای جدید.....	۲۸۷
فصل اول - برنامه‌ریزی شهرهای جدید.....	۲۸۹
تست‌های فصل اول	۲۹۹
پاسخ‌نامه تست‌های فصل اول	۳۰۲
تست‌های تکمیلی	۳۰۳
پاسخ‌نامه تست‌های تکمیلی.....	۳۰۵
شهری پیشرفته ۱۴۰۳-۱۴۰۰	۳۰۶
پاسخ‌نامه جغرافیای شهری پیشرفته ۱۴۰۳-۱۴۰۰	۳۰۷
منابع.....	۳۳۳

بخش اول

شهر در جهان در حال توسعه

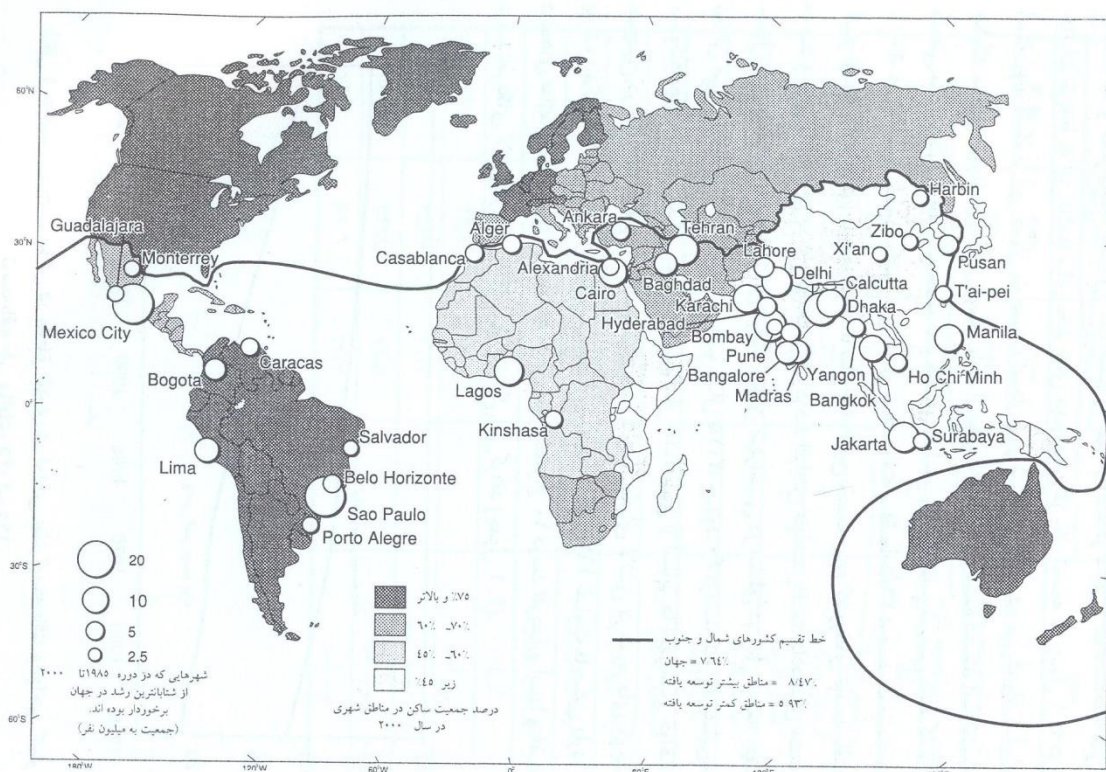
آنچه که در این فصل می‌خوانیم

- ✓ فصل اول – شهر در جهان در حال توسعه
- ✓ فصل دوم – توسعه و شهرنشینی در جهان سوم چشم-اندازهای نظری
- ✓ فصل سوم – نظامهای شهری ملی و توسعه جهانی
- ✓ فصل چهارم – راهبرد ملی توسعه شهری
- ✓ فصل پنجم – شهرنشینی و نیازهای اولیه: آموزش، بهداشت و تغذیه
- ✓ فصل ششم – ساختار و ریخت‌شناسی شهرها در نواحی در حال توسعه
- ✓ فصل هفتم – مسکن و سرپناه در شهرهای جهان سوم
- ✓ فصل هشتم – اشتغال و کار در کشورهای در حال توسعه
- ✓ فصل نهم – شهر و پایداری زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه
- ✓ فصل دهم – آینده شهر در کشورهای در حال توسعه

فصل اول

ماهیت فضایی شهرنشینی در جهان در حال توسعه

یکی از پر بسامد ترین آمارهای ارائه شده در فرایند شهر نشینی کنونی در جهان در حال توسعه افزایش سالانه حدود ۴۵ میلیون نفر در شهرهای کوچک و بزرگ این کشورهاست و این در حالیست که این رقم در کشورهای توسعه یافته در زمان مشابه حدود ۷ میلیون نفر می باشد. به عبارتی در دورانی بسر می بریم که جهان دارای شتابان ترین آهنگ شهر نشینی است. بنابر محاسبات بین سال های (۱۹۵۰-۲۰۲۵) تراز کلی شهر نشینی جهان از ۲۹ درصد به ۶۱ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. و این در مقایسه با انقلاب صنعتی که نقطه ی اوج رشد جمعیتی شهر در جهان توسعه یافته بود با شتاب بیشتری رخ می دهد.





*چشم انداز تاریخی درباره‌ی شهرنشینی در جهان

امروزه کشورهای که جهان در حال توسعه را تشکیل می‌دهند با بالاترین آهنگ شهرنشینی مواجه اند. نخستین سکونتگاه‌هایی را که می‌توان شهر نامید در پی انقلاب شهری بعد از (انقلاب نوسنگی) ۱۰ تا ۸ هزار سال قبل در خاورمیانه شکل گرفتند. اکثر شهرهای عمده اروپایی امروز در پایان قرون وسطی نیز وجود داشتند. در این زمینه یعنی روند شکل‌گیری و گسترش تاریخی شهرها ۵ دوره توسط رون جانستون مطرح شده که عبارتند از: ۱- مرحله‌ی اول، جوامع دو سویه: جوامعی وجود داشتند که درست بعد از انقلاب شهری بوجود آمده بودند که در آنها ساختار طبقاتی وجود نداشت و جوامعی بودند که اصولاً مبادله براساس برابری صورت می‌گرفت و هیچ گروه نخبه‌ای در آنجا وجود نداشت. در این مرحله قالب سکونتگاه‌ها تصمیم‌گیری مبتنی بر دموکراتیک داشتند. ۲- مرحله دوم به مرور که ساختار برابر جامع از هم گسیخت و جای خود را به نظام طبقاتی می‌داد و کالا و نیروی کار بین افراد توزیع می‌شد که این مرحله را توزیع جایگاه (مرتبه) گویند. این مرحله با ظهور نیروی نظامی و قدرت مذهبی همراه است. ۳- مرحله سوم: در این مرحله به منظور ارتقای رشد اقتصادی، داد و ستد ضروری شد و نظام مبادله پولی شکل گرفت. در این مرحله حاکمان زمین بابت اجاره دارایی‌های خود پول دریافت کردند. تحولات عمده شهرنشینی در جهان در این مرحله صورت پذیرفت و وابستگی تنگاتنگی بین گروه‌ها شکل گرفت و سوداگران مقدار پولی که قبلاً در دست نخبگان حاکم بود را در مناسبات بازار به کار انداختند و مقارن قرن ۱۴ و ۱۵ در سراسر اروپاست. ۴- مرحله چهارم: مرحله توسعه و تکوین استعماری است. که حوزه‌ی این مبادلات فرا اقیانوسی شد و یک رابطه‌ی نابرابر بین مناطق استعمارگر و مستعمره رخ داد و جمعیت‌های بومی تخریب شدند. عمده‌ی شهرهای بوجود آمده در این دوران در سواحل و به صورت بندری بود که حکم دروازه‌های ورودی و خروجی را داشتند و مشخصه‌ی این زمان نخست شهری یا قطبش فضایی در این مناطق بود. در واقع در این مرحله یک تقسیم بین المللی در زمینه اقتصاد شکل می‌گیرد و این تقسیم به نحوی است که ارزش افزوده را به سمت مناطق و سکونتگاه‌های توسعه یافته هدایت می‌کند. ۵- در مرحله پنجم: که آخرین مرحله تحول اجتماعی است و رون جانستون آن را سرمایه‌داری می‌نامد. در این مرحله مقیاس اشتغال و تولید با ظهور نظام کارخانه‌ای به نحو فاحشی افزایش می‌یابد. که مرحله‌ی اول آن را سرمایه‌داری تجاری یا کارخانه‌ای کوچک می‌شناسیم و مرحله متاخر آن را سرمایه‌داری صنعتی گویند. که در آن فروش نیروی کار توسط کارگران صورت می‌گیرد و زهکشی طبقات پرولتاریا توسط سرمایه‌داران صورت می‌گیرد. و در پی ظهور بنگاه‌های اقتصادی متمرکز و وسیع است. (هلدینگ‌ها و کارتل‌های بزرگ اقتصادی) شکل می‌گیرند. در واقع بعد از این مرحله است که روند نرخ رشد جمعیتی در اروپا گسترش چشمگیری داشته است که از اواخر قرن ۱۸ و شروع قرن ۱۹ شامل می‌شود. در این زمان فقط ۳ درصد جمعیت جهان شهرنشین بودند. پیوستگی محکم بین مناطق عقب مانده و توسعه یافته از این پس منجر به زهکشی این مناطق می‌شود و این را می‌توان در نظریه‌ی وابستگی گوندر فرانک آورد که حوزه‌ی مطالعاتی آن عمدتاً در آمریکای لاتین و کشورهای دریای کارائیب مشاهده شده است. شهرنشینی وابسته عنوان مناسبی برای توصیف این مرحله است. که در آن کشورهای توسعه یافته به ۳ دلیل با پایگاه‌های شهری جهان سوم ارتباط دارند: ۱- برای استخراج و بهره‌برداری مازاد به شکل مواد اولیه ۲- گسترش وسیع بازار مصرف برای کالاهای تولیدی خود ۳- تضمین مستمر نظام‌های سیاسی بومی که از نظام سرمایه‌داری حمایت می‌کنند. رون جانستون (۱۹۸۰) معتقد است که مرحله‌ی نخستین سرمایه‌داری صنعتی به تقویت برتری شهرهای دروازه‌ای در کشورهای توسعه یافته انجامید و شکاف موجود را در نظام سلسله‌مراتبی تقویت کرد. می‌توان بیان کرد بدون دخالت سرمایه‌داری صنعتی و امپریالیسم هنوز هم در برخی از جوامع در حال توسعه فاقد شهرهای عمده بودند.

جدول ۱.۱ مراحل تکوین جوامع انسانی

شماره مرحله	نام مرحله	زمان تقریبی دوره
۱	جوامع دوسویه	پیش از ۱۰ هزار سال قبل از میلاد
۲	توزیع جایگاه (مرتبه)	۱۰ هزار تا ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد
۳	نظام‌های مبادله پولی	۳۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۱۴۰۰ میلادی
۴	جوامع سوداگر	۱۴۹۲ تا ۱۸۰۰ میلادی
۵	سرمایه‌داری: جامعه صنعتی و پس از آن	۱۸۵۰ به بعد

*الگو و فرایند شهرنشینی جهان در قرن ۱۹ و ۲۰

در اوایل قرن نوزدهم بود که نرخ رشد جمعیت شهری در اروپا و آمریکای شمالی اتفاق افتاد و این امر در پی انقلاب صنعتی بود. با مکانیزاسیون کشاورزی و شکل‌گیری مازاد نیروی انسانی در روستا و ایجاد کارخانجات و تقاضای نیروی کار در شهرها باعث روند مهاجرت

گسترده به سمت شهرهای بزرگ شد. که این روند شتابان بعد از گذر ۱/۵ قرن رو به بهبود رفت و منجر به شکل گیری صنعتی (S) شکلی شد که حاکی از کاهش مهاجرت به سمت شهرها و توزیع آن در پی توزیع امکانات در مناطق دیگر کشورهای توسعه یافته بود. در کشور هایی که دیرتر به جرگه‌ی انقلاب صنعتی پیوستند نرخ رشد شهری شتابان تر است. مثلاً در آمریکا و ژاپن نسبت به انگلستان. آهنگ شتابان شهرنشینی کنونی در جهان سوم محصول دوران پس از جنگ جهانی دوم است. نرخ رشد جمعیت شهری در جهان در حال توسعه سالانه ۴/۵ درصد است در حالیکه این نرخ در کشورهای توسعه یافته در اوج دوران شهرنشینی خود ۲/۱ درصد بوده است. یکی از عوامل مهم که باعث شکل گیری کلان شهرهای غول آسا در کشورهای جهان در حال توسعه می‌شود نرخ رشد طبیعی است که کاهش میزان مرگ و میر در پی افزایش امکانات بهداشتی و رفاهی و مولید فراوان آن را به وجود آورده است. و تقریباً با نرخ مهاجرین ورودی به این شهرها برابری می‌کند و به عنوان یک مکمل، معضلات گسترده‌ای را به وجود می‌آورند. در اغلب موارد درصد رشد سالانه جمعیت شهری بالغ بر ۶ درصد است و در برخی موارد تا حدود ۱۰ درصد. در این حالت پرسشی مطرح است که علت این امر چیست؟ و در پاسخ می‌توان به صورت ترکیبی عوامل جاذبه و ربایشی در شهرها (امکانات و خدمات تقریباً مناسب) و عوامل رانشی (دافع) در مناطق روستایی و عقب مانده را مطرح کرد. اغلب این کشورها در پی صنعتی شدن هستند آن هم در مناطقی که در سواحل هستند و از نظر جغرافیایی موقعیت مناسبی دارند. و در این راستا یک شکاف طبقاتی، جغرافیایی و اقتصادی در شهرهای این مناطق شکل گرفته است. از اینرو در پی اینکه اغلب صنایع ایجاد شده مونتاز هستند و توانایی جذب نیروی کار را ندارند بخش غیر رسمی اقتصاد هم ایجاد می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که آهنگ رشد شهرنشینی با آهنگ نرخ رشد اقتصادی در این کشورها توازن ندارد. بطوریکه آهنگ شهرنشینی بسیار فراتر از اشتغال صنعتی است و در پی آن شهرنشینی متورم و لگام گسیخته‌ای شکل می‌گیرد. علی رغم تلاشهای صورت گرفته در شهرهای کشورهای در حال توسعه صنعت حدود ۲۵ درصد از فرصت شغلی را فراهم آورده است (و به جز کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا) در مناطق دیگر تقریباً این نرخ پایین است و آهنگ رشد شهری نسبت به رشد صنعت، تامین شغل و ایجاد زیر ساخت‌ها و مسکن و... نرخ بسیار بیشتری را نشان می‌دهد.

*شهر در دنیای در حال توسعه: زمینه کنونی و پیش بینی‌ها تا سال ۲۰۲۵

آمارها نشان می‌دهد که رشد شهرهای میلیونی از (۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰) از ۲۴ شهر به ۱۹۸ شهر در جهان رسیده است. و در این میان متوسط عرض جغرافیایی بروز این شهرها به سمت خط استوا سیر داشته است (مناطق حاره‌ای و جنب حاره‌ای). تا سال ۲۰۰۰ حدود نیمی از ساکنان شهری در کشورهای در حال توسعه در شهرهای یک میلیون به بالا زندگی می‌کنند. از (۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵) تعداد شهرهای میلیویی به بالا در این کشورها از ۳۱ شهر به ۱۴۶ شهر رسیده است که پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ به ۴۸۶ شهر برسد. در سال ۱۹۵۰ از ۱۵ شهر بزرگ اول دنیا تنها ۵ شهر در جهان در حال توسعه بود اما اکنون از ۱۵ شهر اول ۱۲ شهر مربوط به این مناطق است. روند نرخ رشد شهر در مرکزیکوسیستی سالانه حدود ۴/۳ درصد است. بنابراین با پایان ربع اول قرن بیست و یکم، حیات شهری به نحو چشمگیری به کشورهای فقیر جهان وابسته است. در پی این جریان نظریه‌ی "جهان شهر" دوکسایدس و پاپایونو (۱۹۷۴) مطرح شد که به ادغام عمده‌ی نواحی شهری در کشورهای توسعه یافته و ایجاد شهرهای گسترده چند هسته‌ای آغاز شد. و ژان گوتن مگالاپلیس را باز شناخت که در شمال شرق آمریکا بود. بعداً ژان گوتن ۶ مورد دیگر از این مجموعه‌های شهری را با بیش از ۲۵ میلیون جمعیت در جهان تشخیص داد که ۲ مورد در کشورهای در حال توسعه است: ۱- در برزیل که ریودوژانیرو- سائوپائولو را در بر می‌گیرد و ۲- در شانگهای چین است. بنا بر ایده "جهان شهر" نهایتاً این مجموعه‌های شهری به صورت زنجیری مانند به هم متصل می‌شوند و رشته‌ای از منظومه‌های کلانشهری به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند. از نظر جغرافیایی کشورهای در حال توسعه به مناطقی اطلاق می‌شوند که در جنوب خط استوا قرار دارند که شامل کشورهای آمریکای لاتین، حوزه‌ی کارائیب، آفریقا و اکثر قسمت‌های آسیا می‌شود. که در این مناطق کشورهای ثروتمندی مثل اسرائیل، هنگ کنگ و سنگاپور نیز به صورت استثنا دیده می‌شود. و اغلب این کشورها مستعمره‌های سابق کشورهای غربی هستند. این کشورها ۷۵ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده اند در حالی که ۱۵ درصد درآمد، ۱۴ درصد منابع و ۲۰ درصد مصرف انرژی جهان را نشان می‌دهند. مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه از نظر مقیاس با هم متفاوتند نه از نظر نوع. مسائلی از قبیل: بی عدالتی و نابرابری منطقه‌ای، قطب بندی اجتماعی، تمرکز شهری، بیکاری، کمبود مسکن و ضعف دسترسی به خدمات و نارسایی ساختاری مربوط به این کشورها است. اما با مشکلات شهری در کشورهای توسعه یافته متفاوت اند. بنابراین برای برنامه ریزی در این کشورها تاکید بر برنامه‌های اجتماعی است تا برنامه‌های کالبدی و تاکید بر ابتکارات حسی است تا طرح‌های جامع و فراگیر. و مردم این کشورها به خودیاری نیاز دارند.

فصل دوم

توسعه و شهرنشینی در جهان سوم چشم اندازهای نظری

*خاستگاه حیات شهری و نقش مازاد اجتماعی

در حدود ۵۵۰۰ سال است که بشر سابقه‌ی سکونت در شهر را دارد. و از آن زمان تا سال ۱۸۰۰ تقریباً ۳ درصد از کل جمعیت جهان شهری بوده اند. اولین شهرها در این مناطق ظهور کردند: ۱- بین النهرین ۲- مصر ۳- دره‌ی سند ۴- جلگه‌ی شمال چین ۵- آمریکای لاتین ۶- آند مرکزی و ۷- جنوب غربی نیجریه. که در کل امروز جزء کشورهای جهان سوم هستند و به اصطلاح تمدن‌های پیش صنعتی بودند. شهرهای مقبره‌ای مربوط به دره‌ی رود نیل و تمدن مصر هستند. به گفته‌ی گوردن چایلد انقلاب شهری تنها در خاورمیانه رخ داده است. شکل و ساختار شبکه‌ی شطرنجی ابتدا در دره‌ی سند رخ داده است.

فرایندهای دخیل در ظهور نخستین شهرها در طی مراحل تاریخی: که در وهله‌ی نخست به نظریه‌ی هیدرولیک یا محیطی- اکولوژیکی برخورد می‌کنیم که در مکان‌های مستعد و حاصلخیز امکان تولید مازاد محصولات کشاورزی رخ داد، در گام بعدی نظریه‌های اقتصادی در حیطه‌ی مبادلات تجاری مکان‌ها و کارکرد بازار است، در مرحله‌ی بعدی اهداف نظامی است که در مورد شهرهای کوچک مطرح است و نظریه‌ی مذهبی و تکوین شهرها در اطراف معابد مطرح است. انقلاب نوسنگی که به کشت و کار بذر و اهلی کردن حیوانات اشاره دارد و نه به جمع‌آوری صرف از طبیعت و زمینه را برای رشد سکونتگاه‌های کوچک اولیه فراهم آورد و شهرها شکل گرفتند. بر خلاف این نظریه چایلد (انقلاب شهری)، نظریه‌ی دیگری که آدامز (۱۹۹۶) مطرح کرده است زمینه‌ی اولیه شکل‌گیری شهرها شرایط اقلیمی مناسب نیست بلکه عوامل اجتماعی است. و تحولات اجتماعی باعث دگرگونی در زمینه‌ی کشاورزی و فنی می‌شوند. در کل می‌توان مجموعه‌ای بهم پیوسته از این عوامل (اکولوژیکی، محیطی، اجتماعی، بازار و مذهبی) منجر به شکل‌گیری شهرها در دوره پیش صنعتی شده است. البته شکل‌گیری شهر چاتال هیوک در ترکیه امروزی (۶۰۰۰ ق م) که شواهدی از مقبره‌های آیینی را می‌توان در آن مشاهده کرد و مبتنی بر عوامل مذهبی است نظریه شکل‌گیری شهر بر اساس مازاد تولید را زیر سوال می‌برد.

شهر و مازاد محصول اجتماعی: شکل‌گیری شهرها همواره با مازاد تولید در ارتباط بوده است و امکان شکل‌گیری شهرها بدون مازاد محصول اجتماعی امکان ندارد. محصول مازاد اجتماعی یعنی دسترسی به تولیدی که از نیازهای زیستی متجاوز است. از این رو به برخی از اعضای جامعه به تولید کردن نیازی ندارند. که دیوید هاروی از دیدگاه مارکسیستی به بررسی این موضوع در شهرها پرداخته است. و هوزلیتز نیز در مقیاس دیگری به برخی از شهرها در شبکه شهری اشاره دارد که به زهکشی توان شهرهای کوچکتر پیرامون خود می‌پردازند و یک رابطه‌ی انگلی بین آنها برقرار می‌شود (نظریه شهرهای زایا و انگلی). و در واقع اساس کلی این نظریه بر این نکته تاکید دارد که شکل‌گیری شهرها مبتنی بر عوامل و شرایط نابرابر تولیدی است. در این زمینه ۴ رویکرد مطرح است که عبارتند از:

۱- رویکرد کلاسیک - سنتی

۲- رویکرد تاریخی

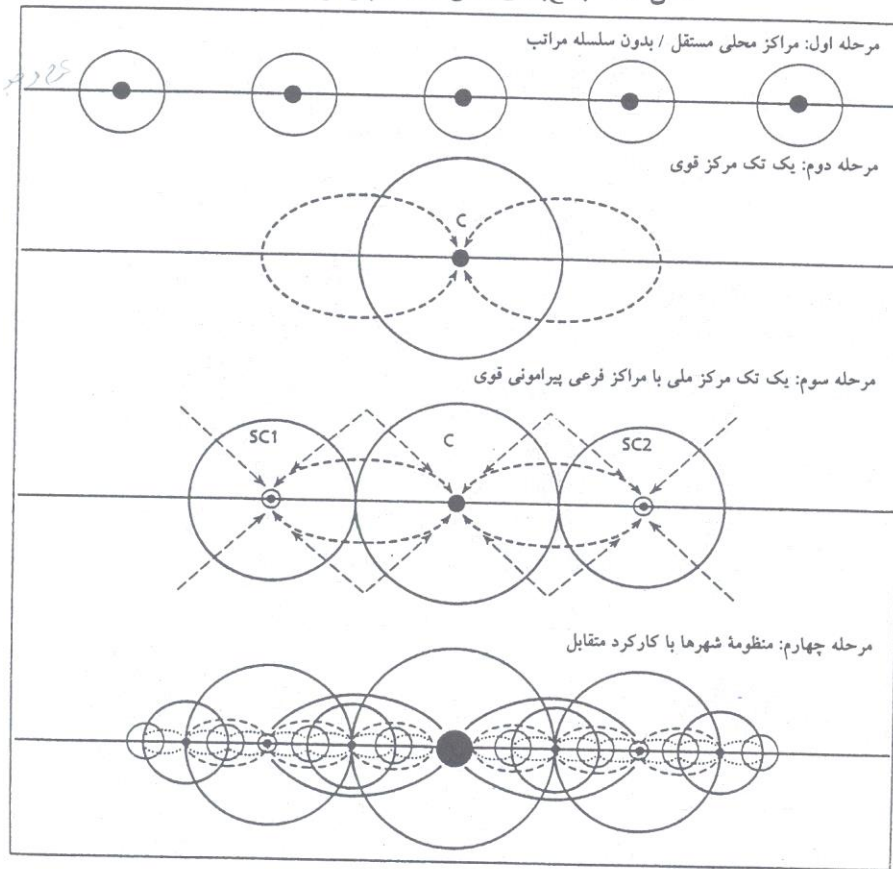
۳- رویکرد اقتصاد سیاسی - رادیکال (نظریه وابستگی)

۴- رویکرد پست مدرنیسم (پایین به بالا).

*** رویکرد کلاسیک - سنتی:** این رویکرد از نگاه اقتصادی نئوکلاسیکی سرچشمه می‌گیرد. و اساسا ساختار دوگانه‌ای را برای شهرهای کشورهای در حال توسعه قائل است. ۱- بخش سنتی، قدیمی و توسعه نیافته ۲- بخش جدید، غربی و توسعه یافته. همچنین مدل توسعه اقتصاد عمومی هیرشمن (قطبش) که سرمایه‌گذاری و تمرکز را روی چند نقطه بزرگ و مهم پیشنهاد می‌کند و معتقد است مواهب توسعه یافتگی از طریق رخنه به پایین به سکونتگاه‌های دیگر نیز تسری پیدا می‌کند و قطبش معکوس رخ می‌دهد. این رویکرد در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکرد غالب در امر توسعه در کشورهای توسعه یافته مطرح شد. که در آن گسترش تولیدات صنعتی نیروی رانشی توسعه محسوب می‌شد. این نظریه (هیرشمن) در قالب یک نظریه بزرگتر به عنوان نظریه نوسازی مطرح شد. که معتقد بود این شکاف توسعه‌ای بین مناطق توسعه یافته و در حال توسعه با گذر زمان پر خواهد شد. نظرات هودسن و ایده‌های کلاسیک هگراستند و شومپتر نیز در این قالب می‌گنجد. و همگی این نظرات به پخش و نفوذ سلسله مراتبی توسعه از بالا به پایین اشاره دارند (رویکرد بالا به پایین). و تاکیدشان بر گره‌های شهری قدرتمند به مثابه شالوده توسعه است.

*** رویکرد تاریخی، سرآغاز واقع گرایی:** که با نظر میردال شروع شد و معتقد بود بر خلاف نظریه نوسازی، حرکت توسعه مبتنی بر قطبش، یک شکاف و بی عدالتی فضایی را خلق می‌کند و نابرابری‌های منطقه‌ای را ایجاد می‌کند. و در این میان به دخالت دولت‌ها در شرایط شکل گرفته شده در پی سیاست‌های نوسازی اعتقاد دارد. که با ایجاد سرمایه‌گذاری در مناطق محروم این عدم تعادل‌ها زودتر مرتفع می‌شوند. نظر دیگر در این راستا مدل "مرکز - پیرامون" فریدمن است که ۴ مرحله دارد. ۱- مرحله اول: مراکز محلی مستقل بدون ساختار سلسله مراتب، اقتصادهای خودکفا در دوره‌های پیش صنعتی ۲- مرحله دوم: در پی گسست‌های خارجی یک مرکز قوی شکل می‌گیرد. محصول مازاد اجتماعی قویا در یک مکان شکل می‌گیرد و پدیده نخست شهری مشاهده می‌شود. (استعاره‌ای برای استعمار). ۳- مرحله سوم: در پی تمرکز بالا در این مناطق قطبش معکوس شکل می‌گیرد و توسعه در هسته‌های فرعی نیز رخنه می‌کند. و ۴- که آخرین مرحله است و در پی روند تمرکز زدای پیشین منظومه‌های شهری شکل می‌گیرد که پیوند کارکردی و مستحکمی دارند. (نظریه‌ی شهر نشینی دیفرانسیل). دو مرحله‌ی اول این مدل مستقیما بیانگر سرگذشت کشورهای توسعه یافته است. و ادامه‌ی روند تکمیلی این مدل در ساختار کشورهای در حال توسعه نیازمند دخالت مستقیم دولت دارد. چرا که شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی این جوامع با کشورهای توسعه یافته متفاوت است. مدل دیگر "مدل سوداگری" جی- ونس می‌باشد که به یک دیدگاه تاریخی - تکاملی در کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کند. و تکوین نظام سکونتگاهی را در این جوامع به صورت خطی و از بنادر می‌بیند و سرچشمه تحولات را عوامل خارجی و استعمار می‌داند. مدل دیگر مدل "پلاتنو پولیس یا کشاورزی شهر" است که در منطقه کاراییب مطرح شد. در کل همگی این مدل‌ها به شکلی از شهر نشینی وابسته و در پی استعمار، در کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کنند.

شکل ۱.۲. جمع‌بندی مدل هسته - پیرامون فریدمن



***رویکرد اقتصاد سیاسی - رادیکال (نظریه وابستگی):** این نظریه که به تئوری "دیندینسیا یا وابستگی" معروف است. در واقع بجای اینکه از اندیشه‌های اروپا محور توسعه صحبت کند، به صدایی از جهان سوم بدل شده است. و افرادی مانند بکفورد پربیش و کاردوسو این موضوع را در آمریکای لاتین و منطقه‌ی کاراییب مطرح کردند. گوندل فرانک در قالب این نظریه، توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی را در ساختار نظام سرمایه داری دو روی یک سکه می‌داند، که در یک مبادله نابرابر تمامی ارزش افزوده از کوچکترین سکونتگاه‌های جهان در حال توسعه به سوی متروپل‌ها و شهرهای جهانی در کشورهای توسعه یافته هدایت می‌شوند. نقدی که بر این نظریه وارد است برداشت خشک و مکانیکی از شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه در این مبادله نابرابر در نظام سرمایه داری جهانی می‌باشد. این نظریه با تفکرات مارکسیست‌های راست گرا بسیار نزدیک است که ریشه‌ی همه بدبختی‌ها را در نظام سرمایه داری می‌دانستند.

***پارادایم پست مدرنیسم (توسعه از پایین به بالا):** این رویکرد در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد و در واقع پاسخی بود به توسعه خطی و شهر محور که تا قبل از این زمان مطرح بود. که از آن تحت عنوان توسعه آگروپلیتن، توسعه عامه و توسعه روستایی - شهری یاد می‌شود. و ایده اصلی آن تاکید بر تامین نیازهای اصلی با تاکید بر منابع محلی و افزایش اعتماد به نفس و خودکفایی است. و تا حدودی ملهم از اصول سوسیالیسم می‌باشد. و با شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی این کشورها پیوند تنگاتنگی دارد. و در امر توسعه به جای تمرکز بر شهر (مرکز) بر روستا (پیرامون) تاکید دارد. این سبک توسعه امروز از طریق شرکت‌های چند ملیتی با سرمایه گذاری در زمینه گردشگری تجلی می‌یابد.

نظام‌های شهری ملی و توسعه جهانی

در این فصل به پدیده نخست شهری و نابرابری و عدم تعادل بین مناطق، وابستگی و پیوستگی شهرها در نظام جهانی و نهایتاً راهبرهای نئولیبرالی در قالب دوره پست مدرنیسم که به همگرایی و واگرایی شهرها در این کشورها که در ارتباط با ساختار نظام سرمایه داری است می‌پردازیم. "نظام شهری" مجموعه‌ای از شهرهای بزرگ و کوچکی است که در تعامل با یکدیگر یک بافت سکونتگاهی معین را شکل می‌دهند و مقیاس منطقه‌ای تا جهانی را در بر می‌گیرد، آنچه در این تعاملات و مناسبات در بین این شهرها در جریان است (سرمایه، مردم، عوامل تولید و ایده‌ها و نوآوریها می‌باشد).

توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای: عدم تعادل‌های منطقه‌ای و حتی شهری و روستایی در کشورهای در حال توسعه به مراتب از کشورهای توسعه یافته بیشتر است و در برخی از این کشورها ۱۰ درصد جمعیت حدود ۵۰ درصد از تولیدات و ثروت را در اختیار دارند. و این نسبت اگر در کشورهای توسعه یافته ۱/۵ تا ۲/۹۵ باشد در کشورهای در حال توسعه ۹ تا ۱۰ برابر است. البته این موضوع از نظر کلاسیکها طبیعی است و با گذر زمان این عدم تعادلها مرتفع می‌شوند و در نمودار این شرایط به صورت یک (U) وارونه دیده می‌شود. ولی تجربه نشان داده است که این خوش بینی خیلی هم دقیق نیست و این شرایط غالباً اتفاق نمی‌افتد. امید است که با دخالت‌های بجا و مناسب دولت این روند واگرایی در درآمد به صورت همگرایی درآمدی در مناطق شکل بگیرد.

در رابطه با این عدم تعادلها پدیده نخست شهری در این کشورها بروز می‌کند که این موضوع را اولین بار جفرسن (۱۹۳۹) به طور رسمی مطرح کرد. و در واقع به شرایطی اشاره دارد که در آن بزرگترین شهر کشور هم از نظر اندازه و هم از نظر نفوذ ملی به صورت فرادستی عمل می‌کند. اوثر باخ و زیپف در این راستا، مدل رتبه - اندازه و توزیع لگاریتمی را مطرح کردند. بین پدیده نخست شهری و سطح توسعه یافتگی هیچ رابطه‌ی ساده‌ای نیست، چنانکه در برخی از کشورهای توسعه یافته نیز پدیده نخست شهری دیده می‌شود (فرانسه، اتریش و دانمارک). در پی تحقیقات دیگری بر این نکته اشاره شده است که بین پدیده نخست شهری و استعمار رابطه برقرار است. اهمیت کار لینسکی در این است که در حالی پدیده نخست شهری خاص کشورهای کوچک با درآمد سرانه پایین، وابستگی شدید به صادرات، پیشینه تاریخی در استعمار، اقتصاد کشاورزی و آهنگ رشد سریع جمعیتی است، اما امکان بروز این پدیده در نقاط دیگر غیرممکن نیست. واپنارسکی این موضوع را در رابطه‌ی قطعی با انسداد (وابستگی تجاری خارجی) دیده است. به این معنی که هرچه میزان وابستگی به مراودات خارجی بیشتر باشد درجه‌ی پدیده نخست شهری بیشتر است و در این اثنا هرچه تعاملات داخلی بین مناطق این کشورها افزون گردد این توزیع بهنجارتر و درجه‌ی این پدیده کمتر است. نخست شهری در شکلی کاملاً ساده نباید با قطبی شدن مترادف باشد، بلکه باید به شکلی بسیار با اهمیت تر از آن نگریسته شود. مثلاً در برزیل ۱۵ درصد جمعیت در سائوپائولو زندگی می‌کنند در حالیکه از نظر توزیع درآمدی غنی ترین منطقه ۱۰ برابر تولیدات سرانه را نسبت به فقیرترین منطقه در این کشور دارد.

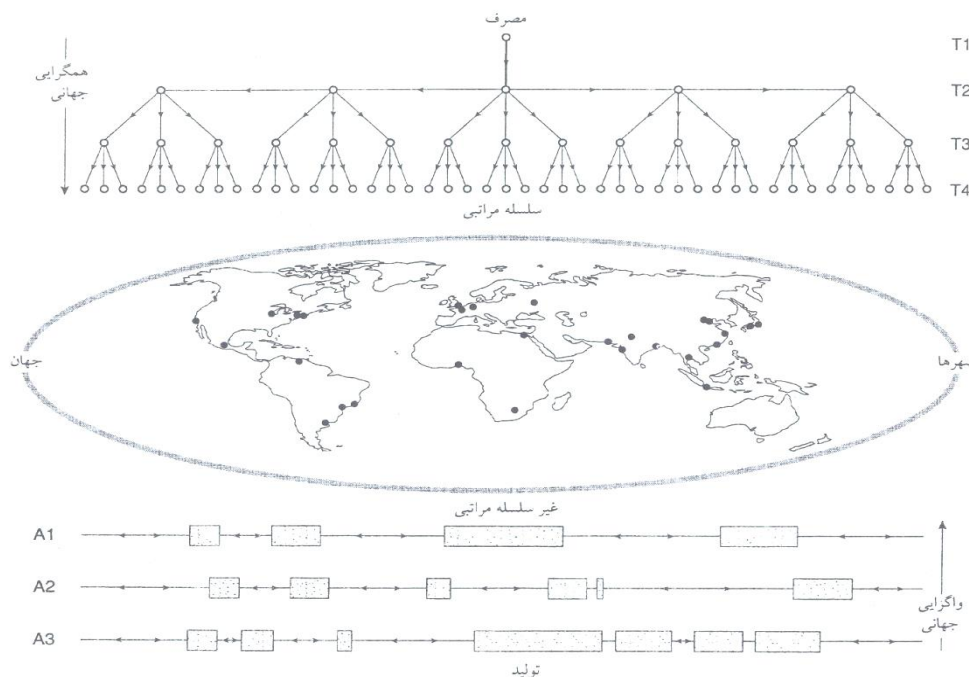
دگرگونی جهانی: صنعتی شدن، گسترش و شهرهای جهانی

شرایط پیشرفت و دگرگونی در شهرهای در حال توسعه در پیروزی از صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته هدایت شد و تنها مسیر را این مورد دیدند. آن هم نه صنایع سنگین مثل: فولاد و پتروشیمی و ... نه مثل شوروی، بلکه با سیاست جایگزینی واردات مطرح شد. که برای مصرف کالاهای تولید شده غرب صورت گرفت (سیاست دهه ۴۰ میلادی). اما از دهه‌ی ۶۰ میلادی رویکرد تقویت صنایع سبک از طریق

فراخوان صنعتی شدن توسط آرتور لویس مطرح شد که به ایجاد مناطق آزاد تجاری در این کشورها منجر شد که از مالیات‌های دولت معاف بودند. و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کردند و "صنعتی شدن جزیره‌ای" نامیدند. و در پی این اقدامات بعد از دهه‌ی ۵۰ میلادی روند صنعتی شدن در کشورهای توسعه یافته ۹/۱ به ۵/۴ کمتر شده است و این امر در کشورهای در حال توسعه از ۳/۵ تا حدود ۸ درصد تولیدات ملی را با افزایش نشان می‌دهد. و این امر در کشورهای جنوب شرق آسیا و برزیل و مکزیک افزایش یافته است. دایکن این تحولات شهری را در سطح جهان دگرگونی جهانی نامیده است. که در پی آن فعالیت‌های اقتصادی به طور فزاینده‌ای جهانی شده است و این روند از طریق شرکت‌های چند ملیتی صورت گرفته است. و روند افزایش چشمگیر آنها حدود ۳۷/۰۰۰ واحد هستند و بخش اعظم از تولیدات ملی را دارند. و حدود ۲۵ درصد از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی (FDI) را در بر می‌گیرند. در پی این رشد چشمگیر شرکت‌های چند ملیتی در کشورهای در حال توسعه شهرهایی که از پتانسیل‌های خاصی برخوردار بودند و توان جذب این کار را داشتند به عنوان شهرهای جهانی عمل می‌کنند و گره‌های اصلی رشد و تولیدات و خدمات جهانی به شمار می‌روند. که پایگاه بزرگ تولیدات صنعتی - مجتمع‌های پیچیده‌ی مالی و خدمات اند و کانون حمل و نقل و ارتباطات اند. این جهان شهرها تحت سلطه‌ی شرکت‌های چند ملیتی اند. یک تفاوت در شبکه‌ی شهری کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته در این است که روند رخنه‌ی این تحولات و توسعه در مناطق همجوار و پیرامون به علت ساختارهای خاص و ضعیف در جهان در حال توسعه دیرتر صورت می‌گیرد و با گذشت زمان عدم تعادل ظاهری می‌شود.

همگرایی و واگرایی جهانی و نظام شهری

پدیده‌ی واگرایی که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است در زمینه‌ی تولیدات و مراکز تولیدی مطرح است و تولیدات در نقاطی که از نظر هزینه‌ی تولیدی بصره است صورت می‌گیرد و به علت (کمبود نظام‌های سندیکالی و حمایت کارگران، نبود نظارت‌های زیست محیطی و سطح دستمزد پایین و انتقال مواد اولیه و...) می‌باشد که با تایید شرکت‌های چند ملیتی صورت می‌گیرد. مراکز تولید از برخی شهرهای کشورهای توسعه یافته به شهرهای در حال توسعه انتقال یافته است. واگرایی در تولید. مانند: (هنگ کنگ - تایوان - کره و...). در پی آن و در دهه‌ی ۱۹۲۰ از طریق اثرات نمایشی که با وسایل ارتباط جمعی و گسترش وحشتناک آنها در این مناطق به تزریق این تفکر که کالاهای تولیدی آمریکا و اروپایی را مصرف کنند پرداختند. در زمینه همگرایی در مصرف که از طریق ساختار سلسله مراتبی از طریق پایگاه‌های خبری و از طریق ایستگاه‌های تلویزیونی صورت می‌گیرد. (از مراکز کلانشهر جهانی تا مناطق پیرامونی). و این در حالی است که در زمینه تولیدات این روند بر عکس است و به صورت گره‌های فضایی که دارای پتانسیل‌های ویژه‌ای هستند در جهان تبلور پیدا می‌کنند.



شکل ۶.۳ همگرایی - واگرایی جهانی و شهرنشینی در سطح جهان

فصل چهارم

راهبرد ملی توسعه شهری

سیاست هایی را که تلاش دارند الگوهای موجود توسعه شهری را در مقیاس ملی و منطقه‌ای انتظام بخشند و اصلاح کنند، راهبرد ملی توسعه شهری گویند. و به مسائلی مانند(پدیده نخست شهری، فزون شهری، توسعه ناموزون، سوگیری شهری و توسعه نابرابر منطقه‌ای) در کشورهای درحال توسعه می‌پردازد. البته سیاست هایی که دولت‌های جهان سوم در این زمینه در پیش گرفتند در پی الگوهای تحمیلی است که نهادهای بین المللی بر آنها تحمیل کرده اند و اساسا با مطالبی که نوشته می‌شود و گاه در سخنرانی هایشان مطرح می‌کنند در تعارض جدی است. کشورهای سوسیالیستی مانند چین و ویتنام در این زمینه با سیاست هایی چون(شهر گریزی، رشد شهری صفر، سیاست‌های ضد شهرنشینی و ...) که توانسته اند رشد شهری را کنترل کنند و با رشد اقتصادی هماهنگ کنند.

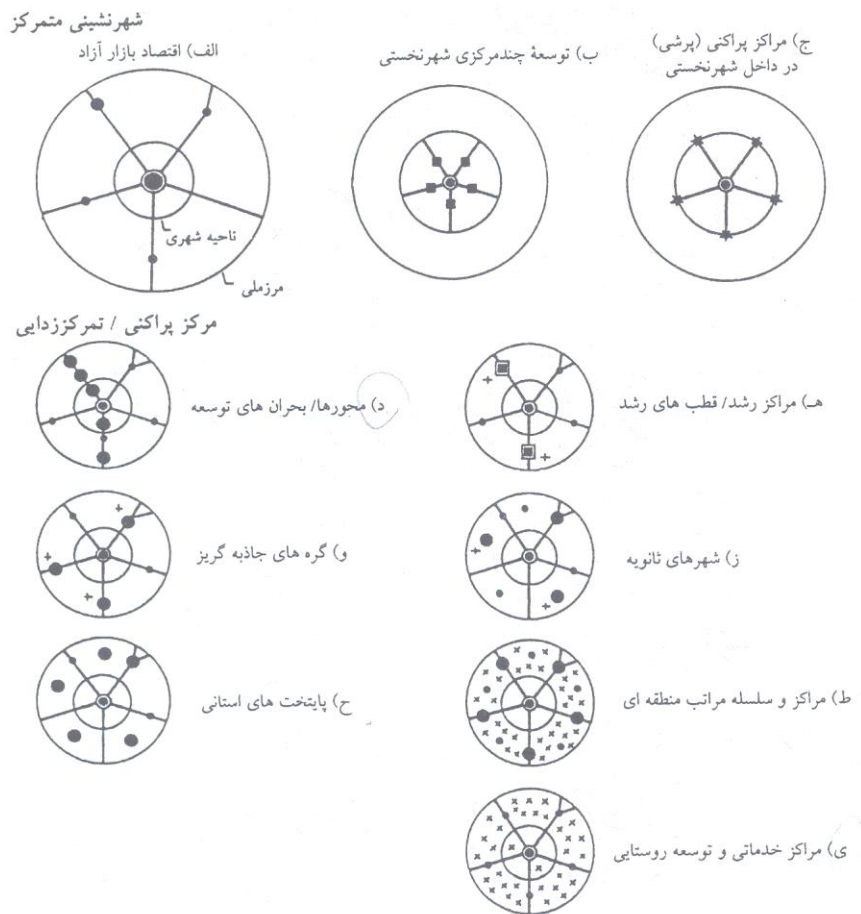
رشد شهری متعادل در برابر رشد لگام گسیخته

در خلال دهه‌های ۱۹۷۰- ۱۹۶۰ رویکردهای گوناگونی در زمینه رشد و اندازه شهری مطرح شد. که برخی کارشناسان با توجه به مبحث صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس معتقدند که شهرهای بزرگ مستعد جذب سرمایه گذاری کلان هستند و بعنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی برای این کشورها محسوب می‌شوند. و منافعی که به جامعه تزریق می‌کنند بیش از هزینه هایی است که بر جامعه تحمیل می‌کنند. بنابراین خواستار رشد بیشتر شهرهای بزرگ هستند(نگرش نئو کلاسیکی توسعه). و در مقابل در سال (۱۹۷۶) گیلبرت و ریچاردسون معتقد بودند که بهر وری بالا در شهرهای بزرگ منجر به از بین رفتن این فرصت در شهرهای متوسط و کوچک می‌شود و اگر این زیرساخت‌ها با همین کیفیت در شهرهای متوسط و کوچک انجام گیرد بمراتب راندمان بهتری را می‌توانیم ببینیم. و در واقع خواستار توزیعی عادلانه در شبکه‌ی شهری کشورهای در حال توسعه هستند که در کنار کارایی اقتصادی بر عدالت اجتماعی نیز تاکید شود.

راهبردهای ملی توسعه شهری

علی رغم چنین دیدگاه‌های متناقضی آنچه باید در این راستا در کشورهای در حال توسعه تاکید شود تدوین سیاست‌ها و برنامه ریزی هایی برای تمرکز زدایی (جمعیت، مشاغل و زیرساخت ها) از شهرهای بزرگ این کشورهاست. که در دو مرحله‌ی کلی مطرح است : ۱- تمرکز زدایی از یک نقطه در کلان شهرها و تاکید بر چند هسته‌ای شدن این شهرها (راهبرد درون شهری) و در مرحله‌ی بعدی ۲- این امر در سطح منطقه و در مقیاسی وسیع تر صورت گیرد. که راهبرد توسعه بر محورهای خاص و در امتداد کریدورها، توسعه بر محور یک یا چند نقطه مهم و استراتژیک یا قطب رشد و در ادامه و به صورت سلسله مراتبی، ایجاد مراکز خدماتی در سطوح دیگر فضایی است که به یک توزیع عادلانه فضایی اشاره دارند(راهبرد برون شهری یا منطقه ای) . این رویکرد مسائل اجتماعی را در کنار مسائل اقتصادی در توسعه شهری دخیل می‌کند. و تاکید براین نکته است که دولت خود به ایجاد نقاط و قطب‌های رشدی اهتمام ورزد تا این روند توزیع عادلانه تسریع شود و شکاف موجود در نظام شهری این کشورها هر چه سریعتر مرتفع گردد.

شکل ۲.۴. گزیده‌ای از راهبردهای توسعه شهری ملی



حلقه‌ی گم شده در نظام شهری کشورهای در حال توسعه

دورنمای ساختار و شبکه‌ی شهری در این کشورها حاکی از توسعه نیافتگی سطوح میانی است. که در دهه ۱۹۷۰ بر توسعه شهرهای متوسط و کوچک در این کشورها تاکید شد. و به این نکته اشاره دارد که تعداد این شهرها در کشورهای اروپایی ۱۰ برابر بیش از کشورهای خاورمیانه است. که در این راستا راندینلی نیز با تاکید بر توسعه شهرهای میانی این نظریه را تقویت می‌کند.

رویکرد پایین به بالا در برنامه ریزی توسعه سکونتگاه‌ها

این رویکرد در اواخر دهه ۱۹۷۰ مطرح شد و نقدی جدی بر توسعه با تاکید بر مراکز و قطب‌های رشد بود و آنرا اغوا کننده می‌دانست. مایکل لیپتون در ۱۹۷۷ نیز در این راستا نظر داد. و فقر جهان سوم را ناشی از گرایش شهرهای در ضروریات توسعه می‌دانست. و بر تقویت پایگاه‌های اجتماعی در مناطق روستایی تاکید کرد و نظریه‌ی قطب رشد و توسعه قطبی را مستخدمینی برای خدمت به شرکتهای چند ملیتی سرمایه داری می‌داند. توسعه آگروپلیتن به توسعه شهرهایی خواهد انجامید که بر پایه فعالیت کشاورزی استوار است. و بر تقویت از درون و تاکید بر منابع محلی اصرار دارد. دخالت دادن مردم از طریق مشارکت فعال در سطح محلی شرط حیاتی و ضروری برای توسعه بر مبنای آگروپلیتن می‌باشد و تا حدودی یک نگاه سوسیالیستی است.

شه‌رنشینی و نیازهای اولیه: آموزش، بهداشت و تغذیه

روند کنونی جهانی شدن در پی سیاست‌های نئولیبرالیسم با افزایش قدرت و ثروت شرکت‌های چند ملیتی به کاهش این عوامل در درون دولت‌ها و کشورهای در حال توسعه منجر شده است. و در این راستا مسائل و مشکلاتی همچون فقر، گرسنگی، شرایط بد بهداشتی، مسائل زیست محیطی و عدم امکان دسترسی به سرپناه و خدمات دیگر را در این کشورها بوجود آورده است. باز تعریفی اساسی از نیازهای اولیه در این کشورها در راستای برنامه‌های توسعه باید صورت گیرد و در کنار نیازهایی مانند (خوراک، پوشاک و مسکن) در بعد اجتماعی به (تقویت سرمایه اجتماعی، آموزش) در بعد سیاسی به (آزادی بیان، دموکراسی و اعتماد به نفس) نیز باید اشاره کرد. ذکر این نکته ضروری است که عمدتاً سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه در این کشورها مردانه است و به حضور و نقش زنان کمتر اشاره شده است، و در این زمینه نیز تغییر رویکردی کامل و جامع در زمینه‌ی جنسیتی توسعه ضروری است.

پیوندهای عمیقی در راستای نحوی دسترسی گروه‌ها و قشرهای گوناگون به این نیازها در سطح شهر وجود دارد. و ارتباط و تعاملات هر یک از گروه‌ها با صاحبان قدرت در شهرها کیفیت دسترسی شان را مشخص می‌کند. در کشورهای در حال توسعه وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهرها در تاریخ استعمار ریشه دارد. فقر شهری در کشورهای در حال توسعه امروز به نحو چشمگیری ماهیت جنسیتی پیدا کرده است. به گونه‌ای که فقیر ترین افراد ساکن در این شهرها زنان هستند. زنان دو سوم نیروی کار را در جهان تشکیل می‌دهند، ۴۴ درصد غذا را تامین می‌کنند، ۱۰ درصد درآمد جهان را دارند و تنها ۱ درصد دارایی‌های جهان را در اختیار دارند. با این تفاسیر تغییر رویکرد و توجه ویژه به حقوق زنان در امر توسعه یک اولویت ضروری است.

این شرایط در بعد آموزش نیز به همین شکل است و از ۹۰۰ میلیون بی سوادی که در جهان در حال توسعه وجود دارد حدوداً ۶۰۰ میلیون آنها زنان هستند (نسبت بی سواد زنان به مردان ۲ به ۱). در این نکته که اولین گام در رفع نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی در این کشورها آموزش است شکی نیست، ولی نحوی دسترسی به آموزش و تحصیلات آکادمیک در این کشورها در رابطه با مولفه‌های بالا می‌باشد و در نتیجه این روند به عدم تعادل‌های بیشتر دامن می‌زند.

در زمینه بهداشت نیز اوضاع چنین است و آمارهای وحشتناکی در زمینه مرگ و میر کودکان و مادران در این کشورها سالانه منتشر می‌شود (حدود یک سوم کودکان قبل از رسیدن به سن ۵ سالگی می‌میرند). و این در حالی است که سرمایه گذاری‌های بزرگی در برخی مناطق شهری در این کشورها در راستای توسعه بهداشتی و تجهیزات پزشکی صورت می‌گیرد که اقلیتی خاص از آن بهره می‌برند. آنچه از مطالب این فصل استنباط می‌شود بیان این نکته است که در زمینه دسترسی به نیازهای اولیه (بهداشت، آموزش و تغذیه) به صورت عادلانه صورت نمی‌گیرد و اقلیت‌های فقیر ب‌دست از امکانات و زیرساخت‌های موجود در این کشورها استفاده می‌کنند. اخیراً در پی جنبش‌های مدنی که در این کشورها صورت گرفته تا حدودی صدای بازندگان این عرصه‌ها به گوش مسئولین و حکام این کشورها رسیده و آنها نیز تا حدودی در راستای پاسخگویی برآمده اند. (جنبش‌های اجتماعی نو در زمینه‌های جنسیتی و مشارکت اجتماعی از طریق جوامع مدنی).

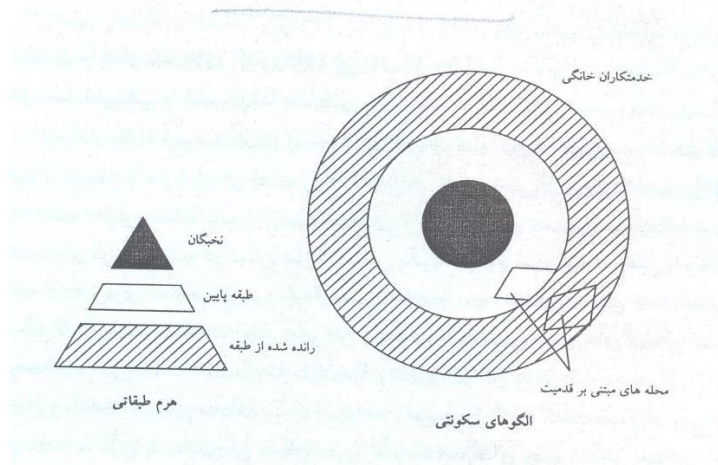
ساختار و ریخت‌شناسی شهرها در نواحی در حال توسعه

آنچه در روند جهانی شدن ساختار شهرهای این مناطق را متاثر می‌سازد، تمرکز و انباشت مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی بعنوان مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در برخی نواحی است. و در راستای فشردگی فضایی و زمانی و همگرایی در الگوهای مصرف، سبک و سیاق زندگی شهری در این کشورها مانند کشورهای غربی شده است. در ساختار درون شهری یک تفاوت عمده در روند توسعه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دیده می‌شود که این تفاوت، رشد و توسعه حومه نشینی و متروک ماندن بخش‌های قدیمی و مرکزی در شهرهای در حال توسعه است و در طرف مقابل سرزندگی تقریبی مراکز شهری در کنار توسعه حومه‌ها در نواحی توسعه یافته می‌باشد. ۲ عامل اصلی بر ساختار شهر در این کشورها تاثیر دارد که عبارتند از: ۱- رشد شتابان کنونی شهر در کشورهای در حال توسعه در نتیجه‌ی رشد طبیعی و مهاجرت‌های گسترده روستا - شهری ۲- عامل تاریخی استعمار که نشانه بارز آن نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی در این شهرها می‌باشد. و در پی این عوامل شکل‌گیری ساختار دو گانه اقتصادی در تمامی زمینه هاست.

*توسعه تاریخی و شهر پیشا صنعتی

این توصیف که به مدل شوربری معروف است ساختار و ریخت‌شناسی شهرها را در نواحی در حال توسعه قبل از استعمار بیان می‌کند. در مرکز شهر پیشا صنعتی مراکز اداری و مذهبی مهمی وجود دارند و طبقات قدرتمند و نخبگان جامعه در این نواحی زندگی می‌کنند. محلات در این شهرها بر اساس پایگاه‌های شغلی، خانوادگی و نژادی تقسیم می‌شوند. و اختلاط کاربری‌های (مسکونی و شغلی) در این محلات به چشم می‌خورد. که در پی ورود تکنولوژی‌های نوین و حمل و نقل پیشرفته تر به این محلات این شرایط بهم ریخت و امروزه شاهد تفکیک عملکردی در این محلات هستیم. و انسجام و پیوستگی گذشته از بین رفت و جدایگزینی نخبه‌ها و گروه‌های دیگر را به حومه‌ها در پی داشت.

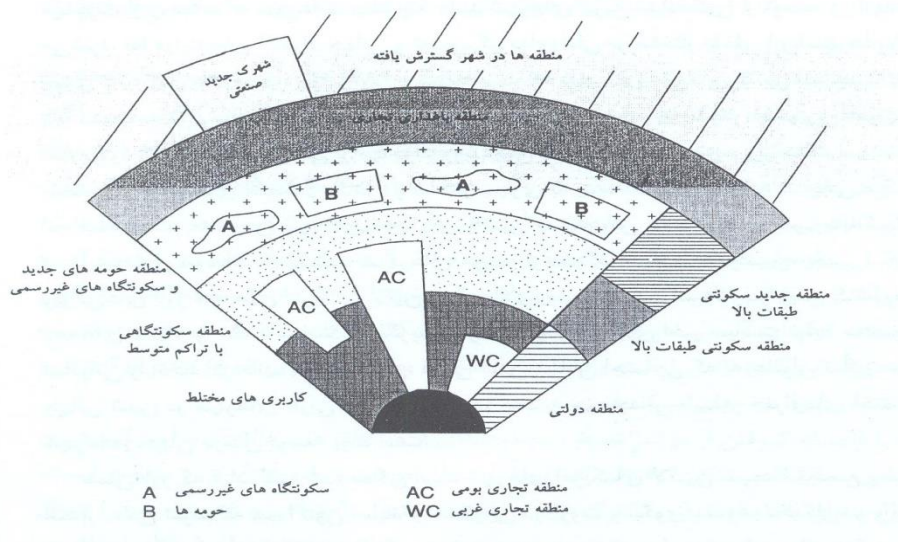
شکل ۱.۶ ساختار شهر پیشاصنعتی



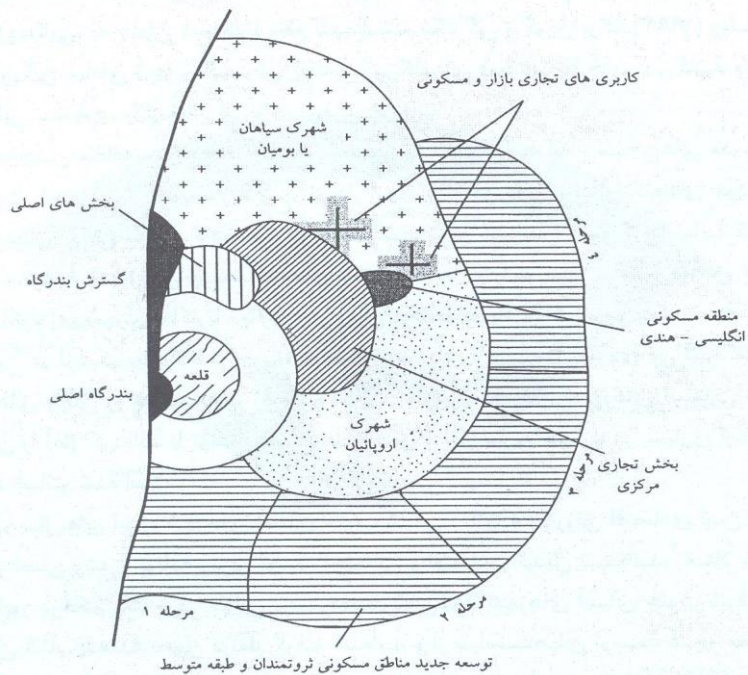
*چشم اندازهایی از شهر استعماری

شکل شهر در این مدل به صورت شهری دوگانه است و به شهر نشینی وابسته نیز معروف است. در واقع این نوع شهر کانون مبادله و معامله سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بین استعمار گر و مستعمره می باشد. که بیشتر در قاره آسیا و آفریقا دیده می شود. در شهرهای آفریقایی افراطی ترین شکل جداییگزی و تقسیم بندی اقتصادی و در قالب نظام آپارتاید به چشم می خورد. در آسیای جنوبی شهرها بصورت بنادر و مراکز اداری ساخته می شدند و بخش مرکزی این شهرها به شکل شهرهای اروپایی بود (کلکته، بمبی، دهلی و مدرس). ولی در شهرهای جنوب شرقی آسیا مرکز شهرها بصورت کانون های تجاری طراحی و ساخته می شدند. در شهرهای آمریکای لاتین رشد و توسعه شهرهای بزرگ در پی مهاجرت های گسترده مشهود است و به صورت پدیده نخست شهری بروز کرده است. قطبی شدن اجتماعی در این شهرها و رشد بالای صنعتی از مشخصات دیگر این شهرها است. رشد شدید حومه ها و متروک ماندن مراکز شهری در این نواحی مشهود است. توسعه ای همه امکانات و خدمات در راستای یک محور تجاری که طبقات مرفه را به پیرامون خود می کشاند و از دست رفتن اهمیت زو کالوها (میدان های دوران استعمار) که در بخش مرکزی شهرها می باشند از دیگر مشخصات این شهرها هستند.

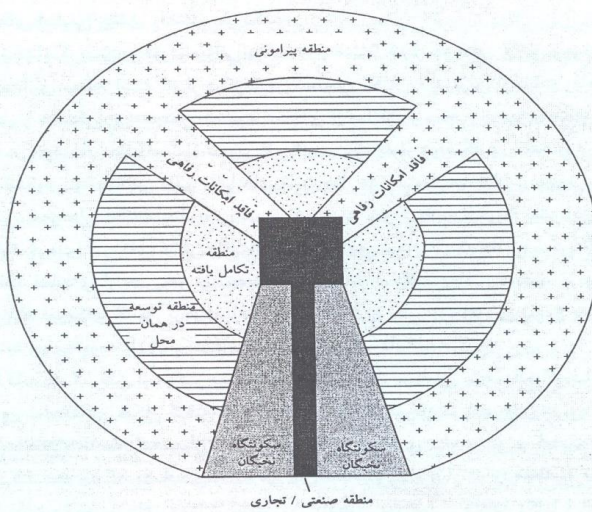
شکل ۴.۶ شهر جنوب شرق آسیا



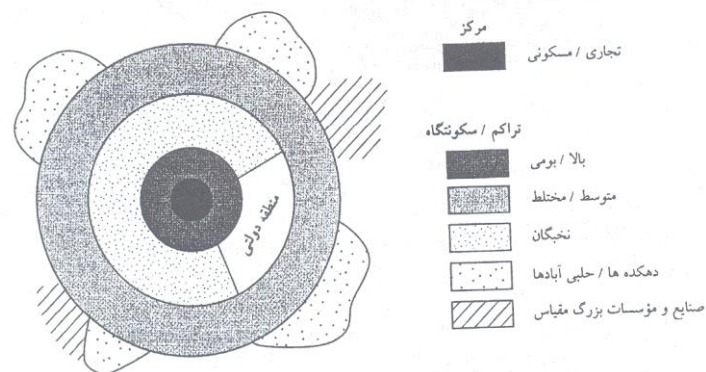
شکل ۳.۶ مدل شهر استعماری آسیای جنوبی



شکل ۵.۶ شهر آمریکای لاتین



شکل ۲.۶ مدلی از شهر آفریقایی



آنچه از مطالب این فصل استنباط می شود بیان این نکته است که ساختار و ریخت شناسی شهرها در نواحی مختلف جهان در حال توسعه متناسب با شرایط جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی منحصر بفردشان مرفولوژی خاص خود آنها را شکل بخشیده است. و امروزه ساختار شهرهای پیشا صنعتی در این مناطق در پی ورود تکنولوژی های نوین در روند جهانی شدن به صور مختلف دیده می شود که دارای تنوع خاص خود می باشد.

مسکن و سرپناه در شهرهای جهان سوم

آمارها نشان می‌دهد که حدوداً نیمی از ساکنان شهرها در کشورهای در حال توسعه فاقد مسکن مناسب و در خور می‌باشند. و در اکثر کلان شهرهای این نواحی نزدیک به ۱ میلیون نفر در سکونتگاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند. ساکنان این شهرها که مشکل مسکن دارند اصولاً به ۳ شکل مشاهده می‌شوند: ۱- خیابان خوابی و بی خانمانی ۲- بصورت مستاجر در محلات فقیر و ناامن ۳- زور آباد و حلبی آبادها که بصورت تصرف عدوانی در زمینهای دولتی شکل می‌گیرند. شهر قاهره به شهر مردگان معروف است چرا اکثر این افراد در قبرستان‌های این شهر زیست می‌کنند. که امروز در پشت بام‌ها نیز بطور غیر رسمی اسکان دارند. آنچه تامین مسکن را در این نواحی با مشکل مواجه می‌کند رشد سالانه ۱۵ درصدی این جمعیت در این مناطق است. تفاوت عمده‌ای که در شکل و محتوای این سکونتگاه‌ها است به این صورت است که در حلبی آبادها و آلونک‌ها مسکن با مصالح کم دوام و در محیطی پر مخاطره بنا می‌شوند و در زورآبادها این عمل بصورت تصرف عدوانی و غیر قانونی می‌باشد و ساکنان حق مالکیتی ندارند.

*از مسکن خود انگیخته تا مسکن تحمل ناپذیر

در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در پی سیاست‌های بدبینانه به مساکن خودانگیخته دولتها درصدد تخریب کامل آنها برآمدند و با ساخت مجتمع‌های فشرده و ۱۶ طبقه این افراد را اسکان دادند و دولت در جایگاه تامین کننده مسکن نقش ایفا نمود و به علت نپذیرفتن این شرایط تحمیلی بعد از مدتی این افراد از این مناطق فرار کردند "مسکن تحمل ناپذیر" (تجربه هنگ کنگ و کاراکاس).

*از خودیاری خودانگیخته تا خودیاری حمایت شده

که با دو مقوله آلونک‌های امید و تجربه‌های موفق و آلونک‌های یاس و تجربه‌های ناموفق پی گیری شد. این سیاست در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و بعد از تجربه ناکام مسکن تحمیل ناپذیر مطرح شد. این نوع برنامه وجود مساکن خود انگیخته را بخش سرمایه‌ای مهمی برای دولت و خود افراد می‌دانست بنابراین در طی ۳ مرحله سعی در تقویت این مساکن نامناسب داشت که عبارتند از: ۱- ایجاد فرصت شغلی در مراکز شهر برای طلایه داران و آغاز کنندگان در این مناطق ۲- ایجاد شرایطی برای کسب حق مالکیت این مساکن برای تثبیت کنندگان ۳- و در آخر ایجاد پایگاه‌های شغلی با درآمد مناسب و افزایش استانداردهای جدید زندگی. از سیاست‌های مسکن حمایت شده تحت عنوان (ASH) یاد می‌شود. آنچه که برای تثبیت مساکن خود انگیخته باید مد نظر برنامه ریزان و مسئولین قرار گیرد تامین دو پیش فرض است: ۱- درآمد کافی برای ساکنان این مناطق ۲- امنیت حق تصرف ملک.

ارتقاء بخشی موثرترین و ساده ترین شکل خودیاری حمایت شده است. که علی رغم حفظ شرایط موجود این مساکن به تقویت شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی آنان می‌پردازد. که در قالب ۳ شکل و در ۳ مرحله صورت می‌گیرد: ۱- تامین خدمات پایه ۲- بلوک بندی مجدد و طراحی محیطی ۳- تامین حق تصرف و مالکیت. آنچه از مطالب این فصل استنباط شد بیانگر این مطلب است که اگر سیاست گذاریهای مسکن که توسط دولتها در این نواحی صورت می‌گیرد تمامی جوانب اقتصادی، اجتماعی و حقوقی را در بر نگیرد مشکل مسکن در این کشورها بطور بنیادی حل نخواهد شد.

اشتغال و کار در کشورهای در حال توسعه

یکی از مشکلات جدی در این کشورها مسئله‌ی بیکاری می‌باشد. و این در حالی است که سالانه حدود ۶۶۰ میلیون نفر به جمعیت شهری این کشورها اضافه می‌شود و این امر شرایط را برای مسئولین در حل این معضل سخت تر کرده است. سیاست‌هایی را که این کشورها برای حل این معضل در پیش گرفته‌اند در راستای برنامه‌ها و اهداف شرکت‌های چند ملیتی می‌باشد (سیاست‌های نئولیبرالی و مبتنی بر تجارت آزاد) که در کنار ایجاد مشاغل جدید به از بین رفتن مشاغل سنتی در این کشورها دامن زده است. و این برنامه پاسخ‌گوی نیازهای نیروی کار فراوان در این کشورها نمی‌باشد. در نتیجه این بخش مازاد از نیروی کار در بازار غیر رسمی مشغول می‌شوند. که این تعداد از ۵۰ تا ۸۰ درصد نیروی اشتغال این کشورها را شامل می‌شود.

بازار کار شهری در این کشورها پاره پاره شده است که در پی عوامل زیر می‌باشد: ۱- رشد ۲ درصدی نیروی کار به صورت سالانه در این مناطق ۲- پیروی از سیاست‌های نوسازی اقتصادی و رشد بخش صنعت در شهرهای بزرگ ۳- تمرکز حوزه‌های اشتغال را و اروپا محور در این کشورها که اکثر جویندگان کار را به علت نداشتن شرایط کافی و مناسب ناکام می‌گذارد ۴- رکود بازار کار داخلی در مقایسه با شرایط پایدارتر بازارهای بین‌المللی در پی تغییرات تکنولوژیک. در این کشورها گاهی ۳۰ تا ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی را بخش غیر رسمی بر عهده می‌گیرد که بازیگران اصلی آن زنان و کودکان می‌باشند که در هیچ آمار رسمی ثبت نمی‌شوند. در پی این شرایط اقتصاد دوگانه‌ای شکل می‌گیرد که به دو بخش مدرن با صنایع بزرگ، حمایت بخش دولتی و پر تحرک در مقابل بخش سنتی و عقب مانده که خارج از نظارت دولت، کوچک مقیاس و نامولد می‌توان اشاره کرد. بخش غیر رسمی عبارت است از فعالیت‌هایی که به حساب نیامده و در جایی ثبت نمی‌شود. که در کشورهای در حال توسعه ۵۰ درصد و در کشورهای توسعه یافته ۳ درصد را شامل می‌شود. بخش غیر رسمی اقتصاد در این کشورها به چهار شکل نیرو جذب می‌کند: ۱- بخش معیشتی از طریق کارهای خانگی و بدون مزد ۲- تولید کنندگان کوچک مقیاس و خرده فروشان ۳- خرده سرمایه داران در راستای فرار مالیاتی ۴- بزهکاران و قاچاقچیان.

جدول ۴.۸ رهیافت کسب و کار - پایه به بخش غیررسمی

مشخصه‌های بخش رسمی	مشخصه‌های بخش غیررسمی
ورود دشوار	ورود آسان
تکیه بر منابع خارجی	اتکا به منابع درونزا
مالکیت مشاع	مالکیت خانوادگی کار
فعالیت بزرگ مقیاس	فعالیت کوچک مقیاس
تولید سرمایه‌بر	شیوه تولید کار‌بر
بهره‌گیری از فناوری‌های وارداتی	بهره‌گیری از فناوری‌های سنتی
مهارت و شرایط مورد نیاز رسمی	مهارت اندوزی خارج از نظام رسمی
بازارهای حمایت شده (تعرفه‌ها و مجوزها)	بازارهای نامنظم و رقابتی

روند کنونی جهانی شدن که از طریق شرکتهای چند ملیتی دنبال می‌شود مسائلی چون نابرابری‌های اجتماعی، بهره‌کشی از نیروی کار زنان و کودکان و بحران‌های زیست محیطی را برای کشورهای در حال توسعه به ارمغان آورده است.